

من چه کارهایی را باید انجام بدم تا وظایف من به اتمام برسند؟

### خطبه ای از انجیل لقا فصل 17 ایه 7-10

7 «فرض کنید یکی از شما غلامی دارد که شخم می‌زند یا از گوسفندان پاسداری می‌کند. وقتی از مزرعه برگردد آیا او به آن



غلام خواهد گفت: 'فوراً بیا و بنشین!' 8 آیا به عوض آن نخواهد گفت: 'شام مرا حاضر کن، کمرت را ببند و تا من می‌خورم و می‌نوشم خدمت کن، بعد می‌توانی غذای خودت را بخوری؟' 9 و آیا او از آن غلام به‌خاطر آنکه دستوراتش را اجرا کرده است ممنون خواهد بود؟ 10 در مورد شما هم همین‌طور است، هرگاه تمام دستورهایی که به شما داده شده بجا آورید بگویید: 'ما غلامانی بیش نیستیم، فقط وظیفه خود را انجام داده‌ایم.'»

اقای Nic Mehdi Hassan نزدیک به 25 سال است که با خوشحالی با خانم و با دو فرزندانش زندگی می‌کند. او همچنین یک مهندس معماری موفقی نیز می‌باشد. او در این 55 سال زندگی اش، به همه خواسته‌هایش دست یافته است. او الان دو فرزند خوب و یک حساب پر از پول دارد، ادم از این‌ها بیشتر چه چیزی می‌خواهد؟ ولی همه اینها تا یک روزی بیشتر ادامه نیافت چراکه او در صبح یک روز بلند فریاد می‌زند که دیگر کافی است من دیگر نمی‌خواهم کار بکنم و مراقب دیگران باشم. من نیاز به یک استراحت طولانی دارم. انسان‌هایی از قبیل این مهندس زیاد هستند که سرشان بسیار شلوغ باشند. و اینطور فکر بکنند. امروز می‌خواهیم از خودمان بپرسیم که آیا در زندگی ما هم این اندازه و یا میزان از کافی بودن اعمال ما نیز وجود دارد؟ آیا من می‌توانم به خیلی از نیازهای انسان‌های جهان بله بگویم و به آنها کمک کنم؟ آیا من می‌توانم به همه کمک کنم؟ آیا نیازمندی‌های مردم جهان یک سقفی دارد؟ و من چقدر باید به عنوان یک مسیحی تلاش کنم تا آنها نجات پیدا کنند؟ آیا من می‌توانم فقط به تعداد مشخصی از افرادی که در اطراف من هستند کمک بکنم و به دیگر افراد نه؟ ما حتی می‌توانیم درباره سهمیه پول کلیسای مان صحبت کنیم که باید همه ما آن را بپردازیم. پایین‌ترین سهمیه پول یک فرد برای یک کلیسا چقدر می‌تواند باشد؟ آیا من می‌توانم این را بگویم که من یک مقدار پول ناچیزی را پرداخت می‌کنم تا وظیفه مسیحی بودن خود را رعایت کرده باشم. و در آن هنگام ما با خیالی راحت به خوش گذرانیمان در زندگی ادامه بدهیم؟ و یا این کار را باید بکنم که یک نیازمندی را از بدبختی نجات بدهم تا حس کمک‌رسانی من در آرامش باشد؟

وقتی که من خطبه امروز را می‌خوانم نمی‌توانم دیگر به این فکر بکنم که حالا من به تمام افراد نیازمند کمک کرده‌ام و دیگر نوبت استراحت هست. زیرا ایه‌های امروز به ما می‌گوید که ما همانند غلام‌هایی هستیم که تنها به خودمان متعلق هستیم بلکه به عیسی نیز تعلق داریم. و باید به او نیز خدمت کنیم. در اینجا من باید به این فکر بیافتم که آیا خدا از ما چنین انتظاری دارد؟ و آیا این خواسته با گفته عیسی یکی است: حمل صلیب و فرمان‌های من اسان و راحت می‌باشد.

مقایسه کردن ما مسیحیان با شخصیت یک غلام ، برای مردمان اطراف ما بسیار دشوار می باشد. ولی ما برای این سخن معنی درستی داریم. عیسی نمی خواهد که غلام پروری را تایید و یا ان را گسترش دهد. و یا او نمی خواهد همانند شیوه برده داری نوین امروزی رفتار نماید. همچنین او نمی خواهد که ما برای رضای خدا ، خودمان را با کار از بین ببریم. مقایسه ما با یک غلام را عیسی به نحوی دیگر بیان می کند. عیسی می خواهد با این مثال دو سوء تفاهم بزرگ را از بین ببرد.

اولین سوء تفاهم این است که ما در برابر خداوند خیلی کم مدیون هستیم.

دومین سوء تفاهم این است که ما در برابر خداوند خیلی زیاد مدیون هستیم.

جایی که دو راه اشتباه وجود دارد حتما یک راه درست نیز در جلوی ما قرار دارد. پس بدین ترتیب راه درست باید میان این دو راه باشد یعنی میانه رو باشیم. بنابراین پس ما نباید به خداوند نه زیاد و نه کم خدمت کنیم. آیا این سخن درست است؟ نخیر کسی که بدین ترتیب فکر می کند ، در مسیر اشتباهی قرار دارد. برای اینکه ما نه کم و نه زیاد به خدا مدیون هستیم بلکه ما تمام هستی و زندگی مان را به او مدیون هستیم.

ولی در اینجا ما باز هم برمی گردیم به سوء تفاهم اول که می گوید ما به مقدار کمی به خدا مدیون هستیم. این فاکتور در بین جوامع امروزی بسیار گسترده شده است. و افرادی هستند که به ان اعتقاد دارند حتی همین افراد به این باورند که برای با خدا بودن نباید انقدر مسئله را پیچیده بکنیم. زیرا ادم می تواند تنها با شرکت در کلاس انجیل و انجام غسل تعمید مسیحی بودن خودش را ثابت کند. و در ادامه اگر ادم چند بار در ماه به کلیسا بیاید و یا اگر همسایه اش را اذیت نکند و یا اگر برای این جهان یک کار کمی را انجام بدهد انوقت او در نزد خداوند می تواند سر بلند باشد و خدا او را برای کارهای اشتباهش خواهد بخشید. بخاطر اینکه او ادم خوبی بوده است. وقتی که مسیحیان اینطوری در باره دین مسیحیت فکر میکنند نباید ما تعجب بکنیم زیرا در زمان های قدیم در اروپا همچنین ادم هایی زندگی می کردند. یک فرد می تواند یک ادم نسبتا خوبی باشد تا بتواند در میان مردم و برای یک حزب رای بیاورد و یا حتی در زندگی روزمره خودش راحت زندگی بکند. نخیر ، کسی که درباره دین مسیحیت چنین فکر می کند ، در اشتباه بزرگی قرار دارد. زیرا انجیل متا 17:5 می گوید: عیسی نیامده است که فرمان ها را از بین ببرد بلکه او آمده است تا آنها را کامل کند. و هرکسی که به این اعتقاد دارد که می تواند با همچنین کارهای سبکی خداوند را راضی نگه دارد تا او در زندگی خودش با خیالی راحت ، اسوده باشد سخت در اشتباه است. خداوند همانند پدر بزرگ های مهربان نیست که هر اشتباه ما را نادیده بگیرد.

بنابراین در مقابل خداوند انسان های زیادی هم هستند که به این اعتقاد دارند که بایستی ادم کارهای بسیاری انجام بدهد. و تو نباید به خداوند به یک اندازه مشخصی خدمت بکنی بلکه تو باید هرچه بیشتر در خدمت او باشی. و این امر بایستی در زندگی تو به صورت اشکار قابل رویت باشد و برای دیگر مسیحیان قابل الگوبرداری باشد. تو باید برای خداوند خودت برای مثال ، کارهای بیشتری انجام بدهی مثل کمک به نیازمندان و یا روزه گرفتن. تو باید هر روز و به کرار دعا بخوانی و هرگز نباید اشتباهاتی را انجام بدهی که دیگران شاهد ان هستند. و یا اعمال خوب خودت را به دیگران نشان بدهی. متاسفانه این عمل از زمان های دور که عیسی در بین یهودیان زندگی می کرد رایج بود. آنها اعمال خوب خودشان را انجام می دادند و آنها را حساب می کردند و در ادامه خودشان را با افرادی مقایسه می کردند که ان اعمال را انجام ندادند بودند و آنها را زیر سوال می بردند. ولی این تفکر الان نیز در بین ما انسان ها نیز وجود دارد و این ایمان ما را از بین می برد. حتی بنده بودن خودمان در برابر خداوند را نابود می کند. اگر کسی همیشه در حال حساب کردن اعمال خودش باشد ، او دیگر یک شخص ازاد نیست و او دیگر زندانی شده است. و اگر روزی او بفهمد که افراد دیگر از او بهتر هستند راهی را پیدا می کند تا آنها را به نحوی از بین ببرد و آنها را زیر سوال ببرد و باعث ناخوشایندی در بین انسان ها می انجامد. و اگر ما این راه را ادامه بدهیم ما انسان ها دیگر قابل تحمل نمی شویم و همیشه در جستجوی روشی می شویم که دیگران را خراب بکنیم. و همچنین ما عادت به این می کنیم تا درباره کارهای اشتباه دیگران صحبت بکنیم تا از این بابت احساس خشنودی به ما دست دهد. تا از این راه خودمان را بالاتر از آنها قرار بدهیم.

عیسی قصد دارد تا ما را از این گونه افکار رهایی سازد . او این کار را با مقایسه کردن ما با یک غلام انجام می دهد. یک غلام از این صفت برخوردار است که به ارباب خودش متعلق می باشد. و این به ان عبارت است که او تمام زندگی اش را به اربابش مدیون است نه خیلی کم و نه خیلی زیاد بلکه همه زندگی اش را. رابطه ما با خدا همانند یک قرارداد رایج در بین انسان ها نمی باشد. در یک قرارداد معمول ، آمده است که چه میزان کار بایستی برای چه میزان دستمزد انجام شود. ولی در ملکوت خداوند از این قبیل قرارداد ها وجود ندارد چراکه ما از اول و تا آخر زندگی مان را به او مدیون هستیم. در اینجا ادم باید به صورت حقیقی این را با خودش بگوید که ایا من همه چیزم را برای خدا داده ام؟ ما به او همه چیزمان را مدیون هستیم . در همه رابطه هایمان ، در همه اعمالمان و در همه تفکراتمان. روزهای معمولی ما نیز همانند یکشنبه ها به خدا تعلق دارد. و ما باید با تمام فکر و توانایی مان به او خدمت کنیم. ایا ما همه این را انجام داده این؟ ایا انسانی وجود دارد که همه این کارها را کرده باشد؟ به عبارتی خداوند را با تمام وجود و توانایی خود خدمت کرده باشد؟ نخیر ، این گونه انسان ها وجود ندارد. و برای همین هم نباید کسی این را بگوید که من از دیگری اعمال خوب بیشتری انجام داده ام.

کسی که این را فهمیده باشد که او غلام خداوند است و او همیشه نمی تواند همه چیز خود را به خدا تقدیم کند. او می تواند خودش را در دستان خداوند قرار بدهد. زیرا خداوند خودش را برای او قربانی کرده است. و ما کاملا به او متعلق هستیم. در این اطمینانی که ما نسبت به خداوند داریم دیگر ما به اعمال خوب خود و دیگران نگاه نمی اندازیم. ما با دست های باز خود برکات پایان ناپذیر عیسی را دریافت می کنیم. و در مقابل ان دیگر نمی توانیم این را حساب بکنیم که ما به چه میزان می توانیم ان برکات را جبران بکنیم. و ما همچنین دیگر نباید خودمان را با دیگران مقایسه کنیم. ما حتی نباید دیگران را نکوهش بکنیم و یا حتی می توانیم دشمنان مان را دوست بداریم. ما با هیچ بهانه ای این را متوجه شده ایم که ما غلام عیسی هستیم. ما بدین وسیله آزاد و رها می شویم. زیرا ما در این حالت خودمان را در دستان خداوند قرار می دهیم. ولی ما نمی توانیم تمام دنیا را نجات دهیم و یا نیازمندی های بشر را بکاهیم. ولی ما می توانیم همه چیزمان را در مقابل پاهای عیسی قرار بدهیم. و بدین ترتیب خودمان را غلام او می دانیم و اجازه پیدا می کنیم که درکنار سفره او قرار بگیریم. و در این زمان عیسی پیش بند خود را برتن می کند تا به ما خدمت نماید. اگر من این موضوع را به این صورت ببینم و بپذیرم این را متوجه می شوم که من در ملکوت او خیلی به او مدیون هستم. آمین